

حل چند معما

از خواجوی کرمانی

دردیوان چاپی شاعر - استاد ، نخلبند شعرا ابو العطا کمال الدین محمود بن علی بن محمود متخلص بخواجوی کرمانی (۶۸۹ - ۷۵۳ هـ) علیه الرحمه که از شعرای نامی زبردست و شیرین گفتار قرن هفتم و هشتم ماست در انواع سخن مهارت و استادی داشته ۸۶ معما دیده میشود که متاسفانه بجز اب آنها در دیوان نیامده و محتاج بحل و شرح است و این بنده بیش از ۵۰ معما را از آنها بتدریج حل و شرح کرده ام و چون درجائی بحل آنها بر خورد ننموده ام و درینم میآید که ثبت نشده بماند لذا برای مزید فایده و بعنوان خدمتی بادب پارسی و علاقه مندان درین مجله بچاپ میرسد :

۱- انك بر سرو عارضش چو گلیست قطره ای آب در میان جلیست

پاسخ : جمالی

شرح - در مصرع دوم از قطره ای آب کلمه « ما » را خواسته است

که در عربی بمعنی آبست و چون در میان جلی قرار گیرد « جمالی » میشود.

۲- سالکی را که دید پیوسته اربعینسی نشسته در عیندی
گفته شد نام ماهر خساری که جهانرا بروی ما دیدی

پاسخ : عمید

شرح - از اربعین چهل مقصود است که معادل حرف « م » از حروف ابجد

میشود که چون در عید بنشینند « عمید » بدست میآید .

۳- آنکه نبود غمش ز مثل منی سر دستبست در میان زنی

پاسخ : زین

شرح - دست بربی « ید » است که سر آن حرف « یا » است و در میان

کلمه زن میشود « زین » .

۴- گفتش ای ماهر و نام تو خود چیست گفت

گوشه ابروی مرا بر طرف مه نگر

پاسخ : حلیمه

شرح - از گوشه ابرو که بر بی «حاجب» است «حا» خواسته و از مرا «لی» که عربی مرا می باشد و جمعا «حلی» میشود و بر طرف مه حلیمه می گردد.
 ۵- حرف سوم سه چون بیندازی و آنگاه دو حرف از ابروی تازی در اول آن در آوری نامیست

پاسخ : حاجبی

شرح - در حساب جمل و حروف ابجد حرف سوم «ج» است که جیم تلفظ میشود و چون حرف سوم آن یعنی «میم» را از آن بیندازیم «جی» میشود و دو حرف اول ابروی تازی که «حا» از «حاجب» بمعنی ابروست بر اول آن در آوریم حاجبی بدست میاید .

۶- سر سگ بر کن و باقیش مضاعف گردان

و انگهش قلب کن و نام نگارم بر خوان

پاسخ : بلبل

شرح - چون سر سگ را که بر بی «کلب» خوانند بر کنند و «لب» یعنی باقیمانده اش را مضاعف ساخته و ارونه خوانند «بلبل» حاصل میشود .
 ۷- دندان کلب چون شکنی جزو قالبش
 با قلب سی چو بار شود نام او شود

پاسخ : بلقیس

شرح- دندان کلب یعنی «ك» چون شکسته شود و بقیه یعنی «لب» قلب شود و بقلب سی یعنی «یس» اضافه گردد «بلقیس» بدست میآید .
 ۸- آیا چه خوش بود بگه صبح در چمن گل در میان مجلس و ما در میان گل

پاسخ : کمال

شرح - چون «ما» را در میان گل جای دهیم میشود «کمال»

۹- بدری که بود در شب گیسوش قمر نامش سر صندوق بود بر سر در

پاسخ : صدر

شرح - سر صندوق یعنی «ص» بر سر در «صدر» میشود .

۱۰- قلب قلب قلب با قلب جگر نام خورشیدی بود زرین کمر

پاسخ : کمال

شرح - قلب قلب حرف لام است که چون قلب شود «مال» میشود و چون قلب جگر یعنی «ك» را بآن بیفزایند «کمال» حاصل میشود .

(دنباله دارد)